



کامنامہ
کانون منرہای جسمی

سال پنجم، شمارہی ششم،
اسفند ۱۳۹۸، ۲۰ صفحہ

منزدر فراسو بے بحر ان





موزهی آبگینه و سفالینهی تهران

۲



در آستانهی ابدیت

۱۱



روانشناسی رنگها؛ راز فام

۱۱



فناوری در هنر

۱۴



طنز هنری

۱۶



۱ سرمقاله

گفت و گو با مهندس محمدمهدی روحانی مشهدی عضو هیئت علمی مرکز گرافیک مهندسی دانشگاه صنعتی شریف

۱۵



۲ امپرسیونیسم؛ دریافتگری

۱۱



آشنایی با نرم افزارهای خوشنویسی

۱۲



گزارش فعالیت های کانون

۱۵



نقش خیال، گاهنامه‌ی کانون هنرهای تجسمی دانشگاه صنعتی شریف

صاحب امتیاز: کانون هنرهای تجسمی دانشگاه صنعتی شریف

مدیر مسئول: مانده بروجی

سردبیر: صالح فیاض

اعضای هیئت تحریریه: علی محمد پرورش - عزیز شهرکی - صالح فیاض - نوشین قنادی - نیلوفر کریمی - حسین مطلبی - بردیا نبوی

ویراستاران: حسین مطلبی - زهرا الهوردی

طراح جلد و صفحه آرا: فاطمه محمدزاده

عکاس: سجاد یامی

حمایت و پشتیبانی دبیرخانه‌ی نشریات دانشگاه صنعتی شریف

ارتباط با ما :



و یا که اگر قدمی پیش می‌گذاریم می‌بینیم که نمی‌توان تحمل کرد و در نهایت، شادی ابتدایی را تبدیل به اندوهی از جنس تنهایی می‌کنیم. بعدتها که به آن بحث‌ها نگاه می‌کنیم می‌بینیم که فقط می‌خواستیم به او نشان دهیم جهانی که می‌بینیم چه شکلی است و او نیز همین‌طور. ولی بر سر هم زدیم که جهان را به یک شکل توان دید و بس. با هم از این دنیاها حرف نمی‌زنیم، تنها از نگاه‌هایمان دفاع می‌کنیم. هنر همین‌جاست که می‌تواند درمان‌گر باشد. حداقل این‌جا، در این نقش، که نشان‌مان دهد دنیا را می‌توان هر روز از این یک‌نواختی رها کرد؛ از دریچه‌ی هنرمندی حقیقی به شیوه‌ای تماما نو دریافت؛ می‌توان به کمک هنر در هر چیز ساده‌ای آن روح زنده‌ای را امید که از تنهایی‌مان برهاند و دنیا را هر لحظه از نو به نو کند. نقاشی «خیاطی ساده» ورمیر، عینک ساده‌ساز وقایع روزمره را از چشمانمان برمی‌دارد. نقاشی «آسمان پرستاره» ونگوک، ستاره‌های خیال را در آسمان دل‌مان می‌نشانند تا نوری بخشد به همه‌ی آن چیزی که در دل‌مان، پیش از این، در تاریکی پنهان بود. در این شماره تلاش می‌کنیم چندی از این نگاه‌ها را با شما در میان بگذاریم.

«تنها به یاری هنر است که می‌توانیم از خود فرا رویم و بفهمیم که دیگری جهانی دارد سرتاسر متفاوت از جهان خودمان» به این‌صورت، بدون هنر، چشم‌اندازهای زمین زندگی همان اندازه برایمان ناشناس خواهدماند که برای کسانی که ممکن است در ماه باشند. به موهبت هنر، به جای دیدن تنها یک جهان، تنها جهان خودمان، می‌بینیم که جهان خود را چند برابر می‌کند و ما را در پیش روی جهان‌هایی که هنرمندان حقیقی ساخته‌اند قرار می‌دهد، جهان‌هایی بسیار متفاوت‌تر با جهان‌هایی که در فضای بی‌نهایت تغییر می‌کنند؛ جهان‌هایی که حتی قرن‌ها در پی از بین رفتن آتشی که اول بار روشنی‌بخش زمانه‌ای بودند، چه رامبرانت باشد چه ورمیر، هنوز هم هر کدامشان درخشش خاص خود را نصیب‌مان می‌کنند.

مارسل پروست

عشق و دیگری شگفت‌انگیز. به راستی به امید شگفت‌زده شدن و چشیدن طمعی تازه از زندگی نبود که در آن روزهای سرگستگی، هر روز را از پی روزی دیگر چنان می‌دواندیم که انگار پایانی بر این شگفتی‌ها نیست؟ آیا دل‌انگیزی همان لبخند کج و معوج معمولی نبود که برای یک‌بار به ما فهمانده بود نمی‌شود به سادگی از روزمرگی‌ها گذشت و شاید بشود در عمق هر چیز ساده‌ی معمولی، همان شگفت‌زدگی آرزوهایمان را دریافت؟ اما این دیگری شگفت‌انگیز شاید تنها گواهی ساده بود بر شگفت‌انگیزی تمام دیدن‌های تازه‌ای که به گفته‌ی پروست اگر به یاری هنر نبود هیچ‌گاه در نمی‌یافتیم‌شان. یک‌نواختی. زندگی این روزها، حتی در آن لحظاتی که به شادی‌هایمان می‌پردازیم، یکنواخت شده. شکایت می‌کنیم که چرا انگار راهی برای فرار از آن نیست. محبوس نگاه تکراری خودمان شده‌ایم. در زندگی اجتماعی نیز، این روزها بسیار پیش می‌آید که دوستی عزیز را از دور ببینیم و یاد خاطرات خوش گذشته بیفتیم که چگونه شاد بودیم. ولی جناح متفاوت سیاسی، عقاید متفاوت و ... همه و همه، ما را از او دور می‌کند، تا آن‌جا که راهمان را کج می‌کنیم که بحثی نباشد





عزیز شهرکی
دانشجوی علم و مهندسی مواد،
مقطع دکترا، ورودی ۹۷

موزهی آبگینه و سفالینهی تهران

تاریخچهی موزه

عمارتی که امروزه آن را با نام موزهی شیشه و سفال می‌شناسیم، در حدود ۹۰ سال پیش (۱۳۰۷ ه.ش.) به دستور احمد قوام، مشهور به قوام‌السلطنه ساخته شد. قوام‌السلطنه یکی از معروف‌ترین سیاستمداران دورهی قاجاریه بود که برخی تحلیل‌گران او را چرچیل ایران می‌دانند. از مهم‌ترین حوادث دوران وزارت او، قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱، خروج نیروهای شوروی از ایران و نگارش فرمان مشروطیت بود.



این خانهی پرشکوه، در سال ۱۳۳۱ توسط مجلس وقت صادره شد و به اختیار دولت درآمد. پس از این ماجرا عمارت قوام به عنوان ساختمان سفارت کشورهای مصر و افغانستان نیز مورد استفاده قرار گرفت. در سال ۱۳۵۴ پس از خریداری توسط دفتر فرح پهلوی و تعمیر به وسیلهی گروهی از طراحان و معماران فرانسوی، ایرانی و اتریشی،

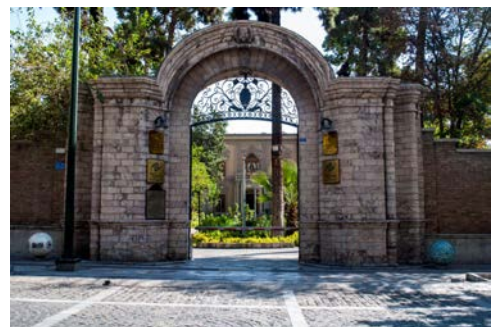
خانهی قوام به موزه‌ای در حد و اندازهی موزه‌های درجه یک جهان تبدیل شد. چهار سال بعد، موزه به طور رسمی افتتاح و خانه و باغ آن در اردیبهشت سال ۱۳۷۷ به شماره ۲۰۱۴ در فهرست آثار میراث ملی ایران قرار گرفت. اینک این موزه ۷۰۰۰ متر مربعی هشت ضلعی، از بیرون و درون، به‌اندازه‌ای چشم‌نواز گشته‌است که هنرپسندان از دیدن آن سیر نمی‌شوند.



مقدمه

برخلاف گذشته که موزه‌ها چشم‌انتظار بازدیدکنندگان و گردشگران بودند و شاید گه‌گاهی چند نفر از اشیای نفیس‌شان دیدن می‌کرد، امروزه موزه‌ها جزء ارزان‌ترین تفریحات شهر تهران و مورد توجه اقشار مختلف گردشگران هستند. گواه این ادعا، شمار زیاد عکس‌های سلفی و یادگاری از موزه‌های تهران در شبکه‌های اجتماعی است که توانسته جانی دوباره به گنجینه‌های تاریخی و فرهنگی ایران ببخشد.

یکی از این موزه‌های بسیار زیبا، محبوب و مشهور در تهران، «موزهی آبگینه و سفالینه‌های ایران» است که بسیاری آن را با نام مختصرش، موزهی آبگینه می‌شناسند. مکانی که محل نمایش شیشه‌ها و سفال‌های بالارزشی است که در روزگاران قدیم مورد استفاده بوده و امروزه



کشف شده‌اند. این موزه در ساختمانی زیبا و تاریخی متعلق به اوایل حکومت پهلوی در باغی به مساحت ۷۰۰۰ مترمربع در خیابان ۳۰ تیر تهران واقع شده‌است. جالب است بدانید این موزه در کنار موزهی ملی ایران و کاخ گلستان جزء پربازدیدترین موزه‌های شهر تهران بین گردشگران خارجی است. ساختمان موزه و تالارهای متعدد آن، صرف نظر از اشیای بسیار گران‌بها و شاهکاری که در خود جای داده‌اند، خود انگیزه‌ای لازم و کافی برای بازدید از این شاهکار معماری و هنر است.

معماری داخلی

در ساخت موزه از طراحی‌های سنتی ایرانی در کنار فضاسازی مدرن اروپایی استفاده شده‌است؛ به طور کلی مهم‌ترین ویژگی‌های معماری داخلی و تزئینات بنای موزه شامل موارد زیر است:

- استفاده از پاگرد و راه‌پله: ورودی ساختمان که شامل یک پاگرد و راهرو است و به محض ورود به ساختمان، دو دسته پله‌ی مارپیچ چوبی شما را به طبقه دوم هدایت می‌کند.
- منبت‌کاری روی گچ و چوب که در تمامی اتاق‌ها و در و پنجره‌ها مشاهده می‌شود.
- گچ‌بری سقف و ستون‌ها.
- ویتترین‌های شیشه‌ای موزه که با الهام از کاخِ تَچِرِ داریوش طراحی شده‌است.
- آینه‌کاری.



تالار بلور در طبقه اول

مهم‌ترین قسمت این تالار را یک مکعب مربع بزرگ تشکیل می‌دهد که در واقع ویتترینی از انواع شیشه‌های کشف‌شده در ایران است. این سبک از نمایش آثار تاریخی در نوع خود منحصر به فرد است که شامل اشیای مربوط به دوره‌های هزاره اول قبل از میلاد، سلسله‌ی هخامنشیان، ساسانیان و دوران صدر اسلام است. در نمایش آثار سعی شده‌است تا خط سیر تحول صنعت بلور و شیشه در دوره‌های زمانی مختلف به خوبی نشان داده شود. از جمله مهم‌ترین آثار این تالار می‌توان به قالب‌زنی شیشه‌ی دوره‌ی ساسانی بر روی کاسه و جام، کوزه‌ی شیشه‌ای متعلق به هزاره‌ی اول قبل از میلاد و چراغ‌های آویز (نوعی لوستر) متعلق به هزاره‌ی پنجم قبل از میلاد اشاره کرد.



تالار مینا در طبقه اول

در این تالار، آثاری شیشه‌ای از هزاره‌ی اول و دوم قبل از میلاد (در دو طرح شیشه‌ی مات و براق)، در کنار آثار سفالی مانند گلدان سفالی منقوش و کوزه‌های هندسی از هزاره چهارم تا سده‌ی پیش از میلاد نگهداری



اگر بی‌صبرانه به دنبال لوله‌های شیشه‌ای معروف معبد چغازنبیل هستید، می‌شود. می‌توانید در تالار مینا نظاره‌گر آن‌ها باشید. این لوله‌ها متعلق به هزاره‌ی دوم قبل از میلاد و دوره‌ی ایلام میانه هستند که به دلیل استفاده از رنگ‌های مختلف، در برابر نور خورشید ترکیب رنگ زیبایی ایجاد می‌کنند.



بخش‌های مختلف موزه

به طور کلی، ۵ تالار اصلی موزه به دو بخش آثار قبل از اسلام و بعد از اسلام تقسیم می‌شود. از فضاهای غیر اصلی، مانند راهرو و پلکان نیز برای نمایش آثار استفاده می‌شود و شامل تالارهای زیر می‌شود:

راهروی ورودی

در قسمت ورودی موزه، ابزار، ادوات، مواد و رنگ‌هایی که در ساخت شیشه استفاده می‌شود و نیز نمونه‌هایی از اشیای شیشه‌ای وجود دارد.

سرسرای طبقه اول

در این قسمت، چند نمونه از ظروف سفالی ساخته‌شده از خاک رس، مربوط به هزاره‌ی اول در کنار ظروف اهدایی اروپایی متعلق به قرن‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی نگهداری می‌شود. مهم‌ترین آثار کشف‌شده‌ی سفالی در راهروی طبقه اول، شامل پیکرک‌های سفالی رنگی، شیشه‌های تزئینی متعلق به قرن‌های ۴ و ۵ قبل از میلاد و کوزه‌های سفالی متعلق به هزاره‌ی اول قبل از میلاد است.



۱ پیکره کوچک



تالار لاجورد در طبقه دوم

علت نام‌گذاری تالار، رنگ فیروزه‌ای اشیای نگهداری‌شده در آن است. در گنجینه‌های تالار از لعاب لاجوردی که نوعی لعاب رایج در ایران پس از اسلام بود، استفاده شده‌است و در معرض دید بازدیدکنندگان قرار دارد. اوج زمان استفاده از لعاب لاجوردی در قرن هفتم و هشتم بود که جزء هنرهای مرسوم دوره‌ی ایلخانی محسوب می‌شد. به‌جز اشیای دوره‌ی ایلخانی، ظروف مصرفی و تزئینی مربوط به دوران هنر صفویه و قاجاریه که با لعاب هفت‌رنگ و نقش‌چهره‌های شخصیت‌های شاهنامه تزئین شده‌اند، در این مجموعه قرار دارد. معروف‌ترین شیء نگهداری‌شده در این تالار، تنگ آب موزاییکی است.



دفتر ریاست در طبقه دوم

دفتر ریاست و دبیرخانه‌ی موزه‌ی آبگینه؛ اغلب برای بازدیدهای گروهی و هماهنگی جهت برگزاری برنامه‌ها باید به این قسمت از موزه مراجعه کنید.

زیرزمین موزه

بخش اداری موزه در طبقه زیرین بنا قرار دارد. بعضی از کارگاه‌های تخصصی آموزش سفال و سرامیک در این محل برگزار می‌شود.

فروشگاه موزه

در این فروشگاه که مستقیماً تحت نظر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری است، انواع صنایع دستی، کتابچه‌های راهنما، فیلم‌های آموزشی و کارت پستال برای فروش گذاشته شده‌است.

آدرس موزه‌ی آبگینه و سفالینه

بهترین و راحت‌ترین مسیر دسترسی به موزه‌ی آبگینه از طریق ایستگاه متروی امام خمینی است که می‌توانید از خروجی خیابان ۳۰ تیر استفاده کنید و چند دقیقه بعد به موزه برسید. مسیر دوم ورود از سمت خیابان جمهوری و رسیدن به خیابان ۳۰ تیر (از ضلع شمالی) است. در این خط اتوبوس‌های ویژه وجود دارد که می‌توانید با استفاده از آن‌ها در ایستگاه پارک شهر پیاده شوید و به خیابان ۳۰ تیر بروید.

تالار راهنمای صوتی در طبقه اول

در این قسمت، با ابزارهای سمعی و بصری به معرفی آثار، به زبان‌های مختلف پرداخته می‌شود.



تالار صدف در طبقه دوم

در تالار صدف، سفال‌های قرن سوم و چهارم کشف‌شده از منطقه‌ی نیشابور نگهداری می‌شود. در خصوص علت نام‌گذاری آن باید گفت که دلیل انتخاب این اسم برای تالار، شکل معماری آن است که شبیه به صدف است. از جالب‌ترین اشیای این تالار، لیوان شیشه‌ای متعلق به قرن ۵ قبل از میلاد و بادکش رنگین‌کمانی شیشه‌ای متعلق به هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد است.



تالار زرین فام در طبقه دوم

همان‌طور که از نام تالار مشخص است، گنجینه‌ای از ظروف طلا یا طلاکاری‌شده متعلق به دوره‌ی سلجوقیان نگهداری می‌شود؛ ظروف سفالینی که با تکنیک ویژه‌ی زرین‌فام، لعاب‌کاری شده و جلوه‌ی بی‌نظیری را نمایش داده‌است. همچنین بیشتر ظروف با خط نسخ، نستعلیق و گاهی تصویر چهره تزئین شده‌است.





نوشین قنادی
فارغ التحصیل مهندسی مکانیک،
مقطع کارشناسی، ورودی ۹۲

گفت‌وگو با مهندس محمد مهدی روحانی مشه‌دی عضو هیئت علمی مرکز گرافیک مهندسی دانشگاه صنعتی شریف

طراحی آرم چهلمین و پنجاهمین سالگرد تأسیس دانشگاه صنعتی شریف، سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۸۴

هنرمند و گرافیست پیشکسوت برگزیده توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال ۱۳۸۶

عضو مؤسسه‌ی هنرمندان پیشکسوت از سال ۱۳۸۷

هنرمند برگزیده در همایش بزرگ مهندسی هنرمند توسط معاونت

فرهنگی شهرداری تهران، سال ۱۳۸۷



متن گفت‌وگو

با توجه به این که رشته‌ی تحصیلی شما مهندسی صنایع بوده‌است، در مورد چگونگی علاقه‌مند شدن تان به این شاخه کمی توضیح می‌دهید.

من بعد از تحصیلات ابتدایی، سراغ هنر خوشنویسی و نقاشی رفتم. چون در خانواده‌ی ما، برادران همه خوشنویس و هنرمند بودند؛ ولی با توجه به جایگاه کم‌رنگ هنر در کشور، تحصیلات خود را به‌صورت شبانه ادامه دادم و در سه رشته‌ی کنکور قبول شدم: (معماری دانشگاه تهران، مهندسی صنایع دانشگاه شریف، فیزیک دانشگاه مشهد) بعد از مشورت با تعدادی از اساتید رشته‌ی صنایع را انتخاب کردم.

تاکنون در چه نمایشگاه‌هایی شرکت داشته‌اید؟

نمایشگاه دسته‌جمعی اتاق بازرگانی در مشهد، سال ۱۳۴۶

نمایشگاه گرافیک و نقاشی انقلاب اسلامی، موزه‌ی هنرهای معاصر با شرکت ۱۰۰ اثر هنری از اینجانب، سال ۱۳۶۱

نمایشگاه آثار نقاشی و خوشنویسی به مناسبت همایش بزرگ مهندسی هنرمند در تالار وحدت، سال ۱۳۸۷

ششمین جشنواره‌ی ملی خوشنویسی رضوی در یزد

با توجه به این که آرم‌های زیادی طراحی کرده‌اید، کمی در این رابطه برای ما توضیح می‌دهید.

همان‌طور که در صفحه‌ی شخصی من دیده می‌شود، بنا به درخواست مؤسسات و سازمان‌های مختلف، لوگو طراحی شده‌است. مثلاً برای نمای کتابخانه مرکزی، مسابقه‌ای برگزار و طرح‌های زیادی ارسال شد. اما چون هیچ‌کدام تأیید نشد از من خواستند که شرکت کنم و طرحی

در این شماره از گاهنامه تصمیم گرفتیم مصاحبه‌ای با مهندس روحانی‌مشه‌دی از اساتید محترم مرکز گرافیک مهندسی دانشگاه که در زمینه‌های هنری فعالیت دارند، داشته‌باشیم. ایشان نیز لطف کرده و زمانی را جهت مصاحبه به ما اختصاص دادند که صمیمانه قدرتان ایشان هستیم.

چکیده‌ای از سوابق شغلی

۱. اجرایی:

عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف - از سال ۱۳۵۴

عضو هیئت علمی مرکز گرافیک مهندسی دانشگاه صنعتی شریف - از سال ۱۳۶۴

استاد نمونه و برتر آموزشی مرکز گرافیک در سال ۱۳۸۴

معاون آموزشی مرکز گرافیک از سال ۱۳۸۷

استاد نمونه و برتر آموزشی مرکز گرافیک در سال ۱۳۸۷

رئیس مرکز گرافیک مهندسی از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴

۲. آموزشی:

تدریس گرافیک مهندسی (نقشه کشی صنعتی ۱ و ۲) برای رشته‌های فنی-مهندسی

تدریس گرافیک مهندسی (نقشه خوانی) برای رشته‌های علوم پایه

تدریس گرافیک مهندسی (طراحی ماشین) برای رشته‌های مکانیک و کشتی‌سازی

تدریس هندسه‌ی ترسیمی برای رشته‌های معماری ۱ و ۲

تدریس ترسیم برای رشته‌های معماری ۱ و ۲

تدریس طراحی و گرافیک هنری برای رشته‌های هنرهای زیبا

۳. پژوهشی:

پروژه‌ی نوآوری در گرافیک و معماری با ابزار ویژه، سال ۱۳۷۶

پروژه‌ی تهیه‌ی طرح توجیهی دانشگاه کار برای بنیاد مستضعفان و جانبازان، سال ۱۳۷۱

۴. هنری:

طراحی آرم جدید دانشگاه صنعتی شریف، سال ۱۳۵۸

طراحی آرم و نشانه‌ی جهاد سازندگی، سال ۱۳۵۸

طراحی پوسترهای انقلاب اسلامی (حدود ۳۰۰ مورد)، سال‌های ۱۳۷۱-۱۳۵۶

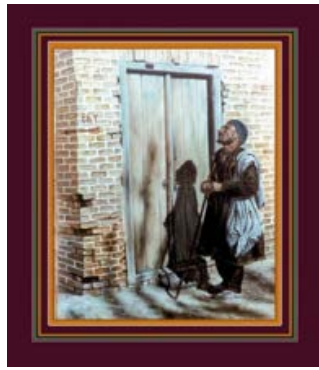
طراحی جلد، صفحه‌آرایی و نظارت بر چاپ مجموعه مقالات پژوهشی دانشگاه صنعتی شریف، سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵

طراحی آرم و نشانه برای دانشکده‌ها و مراکز دانشگاه صنعتی شریف، سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۷۰

طراحی آرم لاتین دانشگاه صنعتی شریف، واحد کیش، سال ۱۳۸۴

اگر خاطره‌ای در دوران دانشجویی و یا با دانشجویان دارید، لطف کنید برایمان تعریف کنید.

دوران دانشجویی در گروه‌های هنری و کوه‌نوردی و ... فعالیت می‌کردم. طرح لوگوی گروه کوه‌نوردی از کارهای من است. نمایشگاه‌های زیادی از کارهای خودم و دانشجویان برپا کردیم. در سال ۴۹ نمایشگاه ما توسط استاد برجسته‌ی دانشکده‌ی هنرهای زیبا مورد بازدید قرار گرفت. ایشان به من گفت کارهای شما حتی از دانشجویان هنرهای زیبا نیز قوی‌تر است. مطالب زیاد است ولی از حوصله شما عزیزان خارج است.



نمونه‌هایی از آثار نقاشی

اگر توصیه‌ای برای دانشجویان و هنردوستان دارید، بفرمائید.

توصیه‌ی من به دانشجویان عزیز این است که در انتخاب رشته‌ی تحصیلی، یک رشته را برای کار و کسب درآمد انتخاب کنند و در کنار آن در رشته‌ای که عشق می‌ورزند هم فعالیت داشته‌باشند. (البته نه لزوماً به صورت آکادمیک)

برای دیدن آثار بیش‌تری از استاد روحانی‌مشهدی می‌توانید به نشانی زیر مراجعه کنید.

sina.sharif.ir/~mmrohany



ارائه دهم که طرحی ارائه دادم و برنده هم شد، ولی متأسفانه به دلیل نبود بودجه‌ی لازم، اجرا نشد. طرح چهل‌مین سالگرد تاسیس دانشگاه نیز چنین بود، یعنی تعداد زیادی طراح در سطح کشور شرکت و طرح ارسال کردند اما درنهایت طرح من تأیید شد.



نمونه‌هایی از آرم‌ها

نظرتان درباره‌ی ارتباط بین علم (مهندسی) و هنر چیست؟

ارتباط بین علم (مهندسی) و هنر بسیار عمیق و ضروری است و خصوصاً در رشته‌های معماری، مهندسی پزشکی، طراحی صنعتی و ... عمیق و ضروری است.

به‌عنوان یک استاد هنرمند به نظرتان دانشگاه شریف چگونه می‌تواند دانشجویان را از تک‌بعدی بودن خارج کند؟

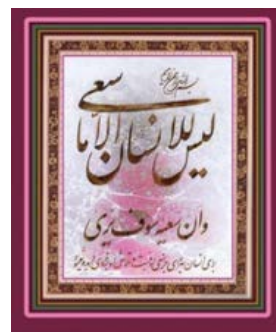
در سال ۱۳۵۲ در دانشگاه شریف مرکز تعلیمات عمومی توسط حسین نصر تاسیس شد. مأموریت این مرکز ارائه‌ی دروس فوق برنامه در زمینه‌های هنری، ادبی، فلسفی و ... بود؛ درس‌هایی مثل تئاتر، موسیقی، نقاشی، خوشنویسی و ...، همین‌طور کارگاه‌های شعر، ادبیات، نمایشنامه‌نویسی، فلسفه‌ی تاریخ، فلسفه‌ی اسلامی و ... هدف از این درس‌ها این بود که دانشجویان با فرهنگ، هویت و ملیت خود بیگانه نباشند.

آیا تاکنون تألیفاتی داشتید؟

رسم فنی (گرافیک مهندسی)، سال ۱۳۸۱، مؤسسه‌ی انتشارات دانشگاه صنعتی شریف

مروری بر آثار هنری (طراحی، آبرنگ، نقاشی و گرافیک هنری)، سال ۱۳۸۲، انتشارات دف

نقشه‌کشی صنعتی ۱ (گرافیک مهندسی)، سال ۱۳۸۷، مؤسسه‌ی انتشارات علمی دانشگاه شریف



نمونه‌هایی از آثار خوشنویسی



نیلوفر کریمی
دانشجوی علم و مهندسی مواد،
مقطع کارشناسی، ورودی ۹۵

در آستانه‌ی ابدیت

« در اتاق زرد من، گل‌های آفتابگردان با چشمان ارغوانی در جلوی یک پیش‌زمینه‌ی زرد ایستاده‌اند. آن‌ها ساقه‌هایشان را در یک گلدان زرد، روی یک میز زرد می‌شستند. در گوشه‌ی نقاشی، امضای نقاش: وینسنت.»

و خورشید زرد از بین پرده‌های اتاقم می‌گذرد. اشعه‌ها چون سیلی از طلا هستند، و صبح وقتی که از تخته بلند می‌شوم، تصور می‌کنم تمام این‌ها بوی خیلی خوبی می‌دهند. اوه بله! او رنگ زرد را دوست داشت، این وینسنت خوب، نقاشی از هلند؛ آن سوسو زدن‌های نور آفتاب، روحش را باز می‌ساخت، روحی که از مه و تیرگی متفر بود و به گرما نیاز داشت. وقتی هر دو در «آرل» بودیم، هر دو دیوانه شدیم. و در درگیری همیشگی‌مان بر سر زیبایی رنگ‌ها، من رنگ قرمز را دوست داشتم. کجا می‌شود یک رنگ «شنگرفی» عالی پیدا کرد؟ او زردترین قلم‌مو را روی دیوار می‌کشید، ناگهان شدید می‌شد: من روح‌القدس هستم، من صدای روح هستم.

- پل گوگن، ۱۸۹۴-

در آستانه‌ی ابدیت (At eternity's gate) فیلمی که مثل وینسنت از مه و تاریکی متفر بود و حتی در لحظات باد و طوفان و گرفتگی فضا، حضور نور را به ما نشان می‌داد، کم‌دیالوگ و ساکت؛ به‌جز گه‌گاهی موسیقی متن، تنها صدای محیط و به‌خصوص صدای طبیعت شنیده می‌شود. فیلم با یک فیلم‌برداری لرزان شروع می‌شود، طولی نمی‌کشد که متوجه می‌شویم دوربین، دریچه‌ی چشم انسانی‌ست که افتان و خیزان حرکت می‌کند و البته در طلب سوژه‌ی نقاشی است و از درک نشدن توسط مردم می‌نالند. با این که فیلم با یک پرش زمانی شروع شده، اما پس از این سکانس، داستان روند خطی خود را از سر می‌گیرد و ابهاماتش را در جاهایی بروز می‌دهد که نمی‌توان در ابتدا به سادگی گفت که کدام، خیالات وینسنت و کدام واقعیت است.

از آنجا که زندگی و مرگ ون گوگ همیشه در لایه‌هایی از راز و معما پیچیده بوده‌است، که همین ویژگی فرصت‌های زیادی به دست نویسنده و کارگردان می‌دهد تا خیال‌پردازی کنند، من نمی‌توانم بگویم چقدر از این داستان بر مبنای واقعیت بوده اما داستان نهایی که از دل این پیچیدگی‌ها بیرون کشیده شده بسیار منسجم و تاثیرگذار و تاحدودی

^۱ رنگی از خانواده‌های رنگ قرمز

رمانتیک است. البته ون گوگ به‌تصویرکشیده‌شده، بسیار همدردی برانگیزاننده (!) و مظلوم (!) (علامت‌های تعجب به این خاطر است که صفات مناسب دیگری پیدا نکردم، خودتان با دیدن فیلم کاملا متوجه می‌شوید.) و مذهبی است که با وجود آن که از بیماری روحی و روانی او آگاهییم اما در بسیاری از موارد در مواجهه با مردم، حق را به او می‌دهیم.

بخش اعظمی از فیلم درباره ارتباط ون گوگ و گوگن است که من (به واسطه‌ی دانسته‌های قبلی‌ام) درباره‌ی این تاثیرات بسیار زیاد گوگن بر زندگی ون گوگ در واقعیت امر، تردید دارم. البته حضور گوگن با آن شخصیت پرجاذبه و برخلاف وینسنت، با اعتماد به نفسش بر کشش و جذابیت فیلم افزوده و باعث افزایش صحنه‌های هنری و دیالوگ‌هایی درباره‌ی نقاشی تخصصی شده‌است؛ مثل بحث‌هایی بر سر سرعت نقاشی کردن ون گوگ و نظرات او راجع به فرم و ژست سوژه‌ها و همچنین علاقه‌ی بسیار زیاد ون گوگ به طبیعت که ریشه‌های مذهبی هم دارد (همانطور که احتمالا می‌دانید، وینسنت مردی بسیار مذهبی بود و علاقه‌ی زیادی داشت که یک کشیش و مرد خدا شود). و البته تغییراتی هم نسبت به قصه‌ای که همیشه از ون گوگ شنیده‌ایم دارد، مثلا ماجرای معروف بریدن گوش ون گوگ توسط خودش، برای هدیه دادن به معشوقه‌اش را به هدیه دادن به گوگن برای تغییر قصد او مبنی بر ترک وینسنت، تغییر داده‌است. و همینطور قصه‌ی مرگ مشکوک او که آیا خودکشی بوده یا دو پسر مست به او شلیک کرده‌اند.

در لحظات پایانی فیلم، دوباره به قهوه‌خانه‌ای که او در «آرل» ساکن آن بود، بازمی‌گردیم و به سمت طاقچه‌ای می‌رویم و دفتری را که ون گوگ پیش از ترک آن شهر به صاحب قهوه‌خانه پس داده بود، پیدا می‌کنیم. دفتری که صد و بیست و شش سال پس از مرگ او یعنی در سال ۲۰۱۶ کشف شد و شامل ۶۵ طراحی از ون گوگ بود. دفتری که صاحب قهوه‌خانه هیچ‌گاه دوباره لایش را باز نکرده بود و متوجه پر بودن آن نشده بود. همین واقعیت تاریخی در آخر فیلم بیننده را دوباره به شک می‌اندازد که نکند همه‌ی داستان این فیلم مثل این قسمت برمبنای واقعیت باشد؟

و اما آخرین ضربه‌ی تاثیرگذار فیلم برای من صحنه‌ای است که پس از کشف دفتر و بالا رفتن تیتراژ اولیه، با تصویر زمینه‌ی زردی مواجه می‌شویم، سپس صدای گوگن که به زبان فرانسه در حال خواندن چیزی است؛ همان متنی که در ابتدای این نوشته خواندید، یادبودی که احتمالا گوگن در چهارمین سال مرگ وینسنت در سال ۱۸۹۴ برای او نوشته بود. یادبودی که نشانه‌هایی از شور و اشتیاق بالای این وینسنت خوب دارد.





اختراع عکاسی و چاپ نقش‌های رنگی ژاپنی

تکنولوژی دوربین‌های قابل حمل، تقریباً مقارن با پیشرفت نقاشی‌های امپرسیون در قرن ۱۹م جلو می‌رفت. حالا بدون صرف هزینه و وقت برای نقاشی، به کمک دوربین عکاسی می‌شد به غایت آن چه رئالیسم و ثبت واقعیت صرف تعبیر می‌شد دست یافت. عکاس می‌توانست با سهولت بیش‌تری از زوایا و نورهای مختلف به موضوع بپردازد. تمام این‌ها زمینه را برای کندوکاو بیش‌تر نقاشان در موضوع و ماهیت هنرشان فراهم می‌کرد تا حوزه‌هایی را پیدا کنند که عکاسی قادر به دستیابی به آن‌ها نباشد.

ژاپنی‌ها از تمامی جنبه‌های غیرمنتظره و غیرقراردادی جهان لذت می‌بردند. در اواسط قرن ۱۹م و با شکل‌گیری تجارت میان اروپا و ژاپن، آن‌ها چاپ‌نقش‌های خود را به‌عنوان روکش در چاپ‌خانه‌ها به فروش می‌رساندند. نقاشان گروه مانه به کیفیت متفاوت این چاپ‌نقش‌ها با هنر کلاسیک آکادمی پی بردند و به کمک آن‌ها توانستند عناصری که هنوز از سنت در کارشان باقی مانده ولی از آن آگاه نبودند را بیابند و به تکمیل کار خود بپردازند. ادگار اگا از جمله مهم‌ترین نقاشانی بود که بیش‌ترین تاثیر را از این چاپ‌نقش‌ها گرفت.



ادگار دگا؛ رقصندگان روی استیج ۱۸۷۸

ویژگی‌های اصلی

۱. جست‌وجو برای دگرگونی و موضوع کلی:

مهم‌ترین تفاوت امپرسیونیسم با سبک‌های پیشین آکادمی در توجه به جنبه‌ی پایداری موضوعات بود. نقاشان امپرسیون با توجه به این امر که واقعیت تغییرپذیر است، سعی در ثبت دریافت‌های آنی و احساسات مرتبط با خود برای تاثیرگذاری بر مخاطب داشته‌اند و هدف آن‌ها - به مانند آکادمی - ثبت دقیق خود موضوع نبود. نقاشان این سبک، معمولاً پشت به موضوع نقاشی می‌کنند و موضوع را آنی می‌نگرند و آن را در درون خود، تبدیل به اثری شخصی می‌کنند. چشم‌اندازهای پیوسته دگرگون‌شونده، نقاشان را مجبور می‌کند از جزئیات بگذرند و به دنبال القاکردن تصویری کلی از موضوعات باشند.

۲. رنگ‌های مکمل:

اگر تقریباً یک دقیقه به یکی از رنگ‌های درون چرخ رنگ روبه‌رو نگاه کنید و سپس چشمان خود را ببندید، رنگ مقابل آن در تاریکی روی شبکیه‌ی چشم شما پدیدار می‌شود! امپرسیونیست‌ها از این کارکرد رنگ‌ها برای درخشان و پُر توان کردن کارهای خود استفاده می‌کنند. از به‌کاربردن رنگ‌های تیره و خاکستری پرهیز می‌کنند و با قرار دادن رنگ‌های خالص در کنار رنگ‌های مکمل خود یا رنگ کردن قسمتی وسیع با رنگ مکمل، بر تاثیرگذاری اثر می‌افزایند.



تلاش کن فراموش کنی که چه شیئی پیش روی خود داری - یک درخت، یک خانه یا یک مزرعه و یا هر چیز دیگر - فقط به این فکر کن، این‌جا یک مربع کوچک از آبی، این‌جا یک مستطیل صورتی، این‌جا یک نوار زرد، و نقاشی‌اش کن، درست مثل جوری که به چشمت می‌آید، دقیقاً همان رنگ و شکل، تا زمانی که به تو دریافت خودت را از آن چه روبه‌روی توست بدهد.

(کلود مونه)

آغاز امپرسیونیسم

امپرسیونیسم یا دریافتگری، اولین و مهم‌ترین جنبش هنر مدرن اروپایی، در اواخر سده‌ی نوزدهم ایجاد شد. واژه‌ی امپرسیون اولین بار از طرف یک منتقد برای تمسخر ناتمامی و برداشت لحظه‌ای اثر ((آفتاب از مونه)) از مونه به این گروه نسبت داده‌شد.

این سنت درواقع درمقابله با سبک پیشین قوانین سخت آکادمی هنرهای زیبای فرانسه و نمایشگاه سالانه‌ی هنر به‌وجود آمد. به‌طورکلی موضوعات اصلی در آن دوره، موضوعات مذهبی و تاریخی بود و روش مشخصی در ترکیب رنگ‌ها تعریف شده‌بود که برای شرکت در نمایشگاه باید از آن پیروی می‌شد.

کافه گیت در اواخر دهه‌ی ۱۸۶۰ میزبان هنرمندان جوانی می‌شود که در مقابله با سنت‌های پیشین، سعی در بازتعریف هنر و بحث‌های هنری در مورد اصول زیبایی‌شناختی جدید داشتند. مانه، رنوار، سیسیلی و مونه از جمله اولین شرکت‌کنندگان این محفل بودند که بعداً هرکدام، نقاشان بزرگ سبک خود شدند.



دریافتی از طلوع آفتاب؛ اثر کلود مونه ۱۸۷۲

سبک‌های پیشین

امپرسیونیسم درواقع پس از رمانتیسم و رئالیسم شکل گرفت. در رمانتیسم توجه اصلی بر نشان‌دادن احساسات، عواطف و تخیلات و به‌طورکلی دنیای درونی نقاش بود، درحالی‌که در رئالیسم تلاش در نشان‌دادن هرچه دقیق‌تر طبیعت با رویکردی علمی و بدون افزودن نگاه شخصی بود. امپرسیونیسم در میانه‌ی این دو، با این‌که از موضوعات خارجی مانند طبیعت و انسان‌ها استفاده می‌کند اما تاکید بیش‌تری روی شیوه‌ی بازنمایی آن‌ها دارد تا خود موضوعات. مونه و دوستانش موضوع خود را نه چنان‌که هست بلکه آن‌گونه که می‌بینند نقاشی می‌کنند. اکنون فرایند دیدن - نه آن‌چه دیده شده - موضوع بازنمایی است. وسایل اصلی آن‌ها در بازنمایی این فرآیند، نور و یا رنگ خالص است که این دو برای امپرسیون‌ها یکی‌ست.



مجموعه ی پشته ی خرمن در نور های مختلف، کلود مونه

۵. مکان نقاشی:

مونه، از تلاش‌گرترین امپرسیونیسم‌ها، دوستان خود را دعوت می‌کند تا آتلیه را ترک کنند و هرگز جز در برابر نقش‌مایه (موضوع دلخواه کشیده‌شدن) چیزی نکشند. به همین دلیل، حضور در طبیعت و انتظاری برای یافتن لحظه‌ی آبی و دریافت مستقیم از آن، به وسایل نقاش اضافه شد. مونه، خود با قایق کوچکش در رود، در جستجوی مداوم این لحظه‌ها و جلوه‌های یکتا و تکرارنشده‌ی در طبیعت بود.



ادوارد مانه، مونه مشغول به کار در قایق خود، ۱۸۷۴

۶. شیوه ی نگریستن:



لئونوید آفرمو

شاید اگر برای اولین بار نقاشی امپرسیونیسم‌ها را از نزدیک ببینید، جز حرکات سریع قلم، رنگ‌های منفرد و تصویرهای موهوم، چیزی نصیب‌تان نشود! ولی اگر به فلسفه‌ی کلی آن‌ها توجه کنید، متوجه می‌شوید که آن‌ها در پی نشان دادن کلیات و برانگیختن شوری در بیننده به کمک نور و رنگ‌های خالص می‌باشند. پس باید کمی از نقاشی فاصله بگیرید تا جزئیات از بین بروند و کلیت آن پیدا شود. شاید تجربه‌ی بصری معجزه‌ای که با فاصله‌گرفتن از اثر و معنی پیدا کردن آن لکه‌رنگ‌های گیج‌کننده‌ی ابتدایی، به بیننده منتقل می‌شود، هدف اصلی امپرسیونیسم باشد.

رنگ‌های روشن خالص و غلیظ، به کمک بی‌شمار ضربات یکنواخت محکم و ریز قلمو، هرکدام به‌صورت منفرد و در کنار یکدیگر، فضای شورانگیزی از رنگ‌ها را ایجاد می‌کنند که با نمود احساسی‌ست که طبیعت در نقاش القا می‌کند.

۳. از بین رفتن مرز اجسام:

استفاده از رنگ‌های خالص و روشن در پیش‌زمینه و پس‌زمینه و همچنین استفاده از فام‌های گرم و سرد در جلو و عقب، باعث می‌شود پرسپکتیو جوی (تیره و واضح در پیش‌زمینه و مبهم و روشن در پس‌زمینه) و پرسپکتیو رنگی (فام‌های گرم در جلو و فام‌های سرد در عقب) در نقاشی‌های امپرسیونی از بین برود. همین‌طور استفاده از ضربات سریع قلم و رنگ‌های خالص، موجب محو شدن مرزهای اجسام می‌شود. با از بین رفتن این مرزها، اهمیت اجسام به نفع اهمیت نور و رنگ کاهش می‌یابد. همچنین به دلیل این عدم وضوح، دریافت ما از اجسام در نگاه اول شاید مایوس‌کننده به نظر برسد، ولی درست به مانند لذت مبهمی که از موسیقی می‌بریم، رنگ‌های خالص می‌توانند تاثیر شگرفی در بیان احساسات نقاش داشته‌باشند.

گئورگ اشمیت، نقاشی واقع‌نما و تیره‌رنگ نقاشان هوای آزاد را به صوت معمولی ما هنگام صحبت کردن تشبیه می‌کند و نقاشی با رنگ‌های خالص را به آوای آوازی ما. به قول مونه: ((دوست دارم که نقاشی کنم به همان صورتی که پرند می‌خواند)). افزودن بُعد موسیقایی به نقاشی -یا به تعبیری آزادسازی رنگ- بی‌شک مهم‌ترین دستاورد هنری امپرسیونیست‌ها محسوب می‌شود.



گالت دولا مولن در رقص (اثر رنوار اوگوست پیو)

۴. نور پردازی:

شاید بتوان شورانگیزترین مشخصه‌ی امپرسیونیسم را بازی با نور و تالو آن در انعکاس موضوعات دانست. به عنوان مثال به اثر **گالت دولا مولن در رقص** تابلویی از **پیو اوگوست رنوار** توجه کنید؛ فارغ از بازنمایی حالت چهره‌ها و نگاه‌های یک جماعت بشاش به نظر می‌رسد تالو دل‌انگیز نورهای موجود روی لباس‌ها و چهره‌ها، نظر بیننده را به خود جلب می‌کند. بر پیش‌زمینه بانویی با لباس‌های راه‌راه دیده می‌شود که تکه‌های نوری که از لابه‌لای درختان بر لباسش می‌تابند، درخشندگی بسیاری به آن می‌دهد. همچنین بخشی از صورت او با نور و سایه پوشانده شده که حکایت از نقش متمایزکننده‌ی نور دارد. با پیش‌رفتن در پس‌زمینه، از شفافیت چهره‌ها کاسته می‌شود و تنها فضا و نور باقی می‌مانند.

هم‌چنین کلود مونه در نقاشی **پشته‌های خرمن**، به بررسی اثر نور در ساعات مختلف بر دگرگونی شیوه‌ی دیده‌شدن آن‌ها می‌پردازد. این بررسی، موضوع نقاشی را فراتر از آن چه که از آن نقاشی می‌شود می‌برد و آن را به دنیای درونی فرد و شیوه‌ی به‌کاربردن رنگ‌ها توسط او باز می‌گرداند.

مضامین اصلی

۱. تصاویر زندگی روزمره:

دل‌انگیز کردن همین لحظه‌های معمولی که در زندگی روزمره با آن‌ها سروکار داریم از جمله اهداف امپرسیونیست‌ها بود.



تام ناچرینر

۲. طبیعت:

همان‌طور که توضیح داده شد، طبیعت مکانی‌ست برای جست‌وجوی لحظات ناب و حالت‌های تکرارنشده‌ای که تمامی وسایل مورد نیاز نقاش، از قبیل نور و رنگ و دگرگونی لحظه‌ای، در آن به شکل طبیعی وجود دارد.



۳. مردم:

در چهره‌های نقاشی‌های امپرسیونیست‌ها، عموماً نور و جلای تأثیرانگیز آن، نقش اصلی را بازی می‌کند. روستاییان و محیط زندگی ساده و طبیعی آن‌ها، کارگران در حین کار، اجتماعات مردم در جشن‌ها و دیگر جلوه‌های ارتباط انسان با طبیعت، از علاقه‌مندی‌های امپرسیونیست‌ها به‌شمار می‌رود.



۴. پاریس:

با انقلاب صنعتی فرانسه، مدرن شدن پاریس و همین‌طور حضور ابتدایی نقاشان امپرسیونیست در فرانسه، این شهر به علاقه‌مندی‌های نقاشان افزوده شد. زن‌هایی با لباس‌های مد روز، خیابان‌های مملو از نورهای طلایی رنگ و انعکاس آن‌ها در خیسی خیابان به همراه رفت‌وآمد دائمی مردمان، جلوه‌های نابی را برای نقاشان فراهم می‌آورد.



همه راجع به هنر من بحث می‌کنند و وانمود می‌کنند که آن را فهمیده‌اند. انکار که الزامی‌ست که فهمیده‌شود. درحالی‌که به‌سادگی لازم است که دوست داشته‌شود. (کلود مونه)



سبز:

رنگ طبیعت که به علت ذات التیام بخش درختان و گیاهان، سبب آرامش می‌شود. سبز تیره بیش‌تر توسط مردان مورد استقبال قرار می‌گیرد. وجود رنگ سبز در تصویر بیان‌گر رشد و شروع دوباره است؛ که به‌طور عمده در عکاسی از طبیعت با آن مواجه می‌شویم. در دسته‌ی رنگ‌های میانی قرار دارد که نه گرم است و نه سرد.



رنگ آبی؛ القا آرامش

نارنجی:

پیوسته در طبیعت ظاهر می‌شود و چهره‌ای آشنا، همچون فام سبز، برای انسان به‌شمار می‌رود. تشدیدکننده‌ی حس ماجراجویی است. در زیرگروه رنگ‌های گرم قرار می‌گیرد. سردتر از رنگ قرمز است، که این امر خستگی ناشی از مشاهده رنگ سرخ را کاهش می‌دهد. با این حال، هم‌چنان مانند امواج قرمز، گیرایی بالایی دارد. استفاده از رنگ‌های سرد، مثل آبی در پس‌زمینه و ترکیب‌بندی تصویر با نارنجی، باعث جلب توجه زیادی می‌شود؛ همان‌طور که در عکس‌های گرفته‌شده در زمان طلایی (گرگ و میش) شاهد این جذب هستیم.

صورتی:

از جمله نادرترین الوان در طبیعت است. از لحاظ تاریخی بازگوکننده‌ی نظام سرمایه‌داری و ثروت است. به‌صورت ترکیبی با رنگ‌های آبی و بنفش به‌کارگرفته می‌شود. طیف تیره‌تر آن یعنی بنفش، بیش‌ترین



ترکیب رنگ‌های نارنجی و آبی؛ افزایش جلب توجه و آرامش

زندگی وجوه گوناگونی دارد، اعم از: کار، تفریح، تحصیل و ... در اثنای گم‌گشتگی آدمی میان روزمرگی‌ها، عناصر متعددی وجود دارد؛ چه بسا پنهان از دیدگان. اشیای پیرامون ما هرکدام با زبانی با ما سخن می‌گویند؛ ولی افسوس که بشر ظاهر را بر باطن ترجیح می‌دهد. این پدیده‌ای علمی است که ما از آن غافل هستیم. یکی از گویش‌های اجسام، رنگ نام دارد.

در دنیای پیرامون ما رنگ‌های مختلفی وجود دارد که هرکدام از آن‌ها از ترکیب غلظت‌های متفاوتی از رنگ‌های اصلی: قرمز، سبز و آبی (موسوم به RGB) ایجاد شده‌اند. هر یک از این رنگ‌ها تفاسیری دارند و در خودآگاه و ناخودآگاه انسان تاثیرگذارند. در ادامه به بیان این اثرگذاری‌ها می‌پردازیم.

قرمز:

سرخ بیان‌گر شور و هیجان است. تحریک‌کننده‌ی اعصاب بوده و توجه را به‌طور قابل‌توجهی به خود جلب می‌کند؛ چنان‌که مشاهده‌ی طولانی‌مدت آن می‌تواند آزاردهنده و برانگیزنده‌ی عصبانیت باشد. نیروبخشی و انرژی‌زایی از ویژگی‌هایی است که می‌توان در مورد این لون به آن اشاره کرد. علاوه‌بر این، در فرهنگ ملل و ذهن افراد به‌عنوان نماد عشق، خشونت، آتش، فداکاری و تنفر شناخته می‌شود. تناقضی بسیار زیبا که می‌تواند مفاهیم کاملاً مجزایی القا کند. شایان ذکر است که این رنگ سبب ترشح اندروفین شده که مسبب تشدید ضربان قلب و سرعت تنفس است. کاربرد عمده‌ی آن در تصویربرداری تئاتر، حیات وحش و آثار سورئال است.



رنگ قرمز؛ تحریک اعصاب، نماد سرعت

آبی:

رنگ مورد علاقه‌ی عموم مردم است. طبق تحقیقات روان‌شناختی، علت این موضوع می‌تواند آبی بودن آسمان و مشاهده‌ی مداوم آن در طول زندگی باشد. رنگ آبی سبب تولید مواد شیمیایی آرامش‌بخش در بدن می‌شود و به رنگ آرامش معروف است. با توجه به تیره یا روشن بودن آن، احساسات متضادی در فرد ایجاد می‌کند. آبی روشن، یادآور یأس و نومیدی است؛ درحالی‌که در نقطه‌ی مقابل، گستره‌ی تیره‌ی آن بیان‌گر قدرت است. در هنر معماری به‌منظور کاهش احساس گرمی، در اتاق‌های آفتاب‌گیر استفاده می‌شود تا با تولید حس سرما، سبب حالت سردی گردد. هم‌چنین برای کاهش استرس و فشارهای روانی موثر است. این درحالی‌ست که برای تعدیل احوال، توصیه می‌شود در کنار رنگ قرمز از آن استفاده شود.

اتاق‌ها بیش‌تر می‌گیرند. سبب افزایش سوخت و ساز بدن می‌شود. توجه را مانند سایر رنگ‌های مذکور به خود جلب می‌کند.

با توجه به اهمیت این اطلاعات، توصیه می‌شود که هر فرد، مخصوصاً هنرمندان، دانش خود را تا حد مطلوبی در این زمینه ارتقا دهند. تاثیرگذاری رنگ‌ها به گونه‌ی شگفت‌انگیزی بالاست که می‌توان با نشان دادن تصویری واحد، اما با ترکیب‌رنگ‌های متفاوت، مضامین کاملاً مجزا و گاه متضاد را به بیننده منتقل کرد. نکته‌ی مهم این‌جاست که از این ابزار به‌درستی استفاده کنیم؛ تا درعین نفوذ در ذهن مخاطب، حق مطلب را ادا کرده‌باشیم؛ همان‌طور که حسین پناهی گفته است: ((در زیر آواری از رنگ‌ها ناپدید آمد.))

رنگ زرد؛ محرک اعصاب، جلب توجه

جذابیت را برای مخاطب فراهم می‌کند. محققان معتقدند که شادابی و نشاطی که صورتی ایجاد می‌کند، سبب محبوبیت فرد در میان سایرین می‌شود.

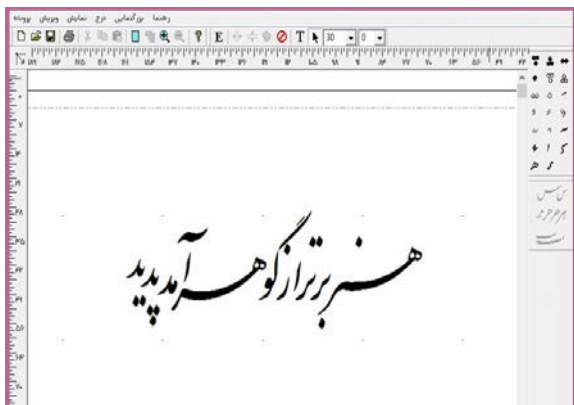
زرد:

بازتاب‌دهنده‌ی شدید نور است؛ به همین علت در مطالعه‌ی متون، باعث آزار دیدن چشم‌هاست. تلقین‌کننده‌ی حس گرما و صمیمیت است. از جمله‌ی پیچیده‌ترین رنگ‌هاست که تاثیرات گوناگون دارد. درحالی‌که برای عموم افراد، فامی دل‌پذیر است، برای برخی افراد پیامدی متفاوت دارد، به طوری که قرارگیری در اتاق‌های زرد می‌تواند سبب عصبانیت افراد شود. حتی در آزمایشی، مشاهده شده‌است که کودکان در این



حسین مطلبی
فارغ‌التحصیل مهندسی برق و ریاضی محض،
مقطع کارشناسی، ورودی ۸۹

نستعلیق به حساب می‌آید. یکی از قابلیت‌های مهم این نرم‌افزار آن است که می‌توانید خروجی آن را به نرم‌افزارهای دیگری مانند Adobe Photoshop، Adobe FreeHand و یا Corel Draw انتقال دهید.



خوش‌نگار پاریسان: این برنامه دارای محیط کاربری ساده‌ای است و امکان نگارش به خط‌های نسخ، ثلث، نستعلیق، تحریری و شکسته نستعلیق را فراهم می‌کند. این نرم‌افزار نیز تنها بر روی سیستم‌عامل ویندوز قابل استفاده است و خروجی آن را می‌توان به دیگر نرم‌افزارهای گرافیکی دو بعدی انتقال داد.

آشنایی با نرم‌افزارهای خوشنویسی

در گذشته برای نوشتن مطالب، همه ناچار بودند از دست‌خط خودشان استفاده کنند و در نتیجه همواره افراد زیادی تلاش داشته‌اند تا دست‌خط زیباتر و خواناتری داشته باشند؛ همین موضوع یکی از مهم‌ترین دلایل پدید آمدن سبک‌ها و هنرمندان مختلف در عرصه‌ی خوشنویسی در دوره‌های مختلف بوده است. ولی با پیشرفت تکنولوژی و پیدایش ماشین‌های تحریر و بعد از آن کامپیوترهای خانگی، کامپیوترهای قابل حمل و گوشی‌های هوشمند، رفته‌رفته مردم از ضرورت داشتن دست‌خطی زیبا فاصله گرفته و به سمت نرم‌افزارها و اپلیکیشن‌ها روانه شدند. این موضوع خود مزایا و معایبی به همراه داشته است که موضوع صحبت ما نیست. در این متن ما به اختصار به معرفی تعدادی از این نرم‌افزارها خواهیم پرداخت.

عمدتاً وقتی صحبت از خوشنویسی به میان می‌آید به دلیل گستردگی و پیشینه‌ی زیاد خط نستعلیق، ذهن همه به سمت این خط می‌رود. متأسفانه بیش‌تر افرادی که علاقه‌مند به تایپ با فونت نستعلیق هستند از فونت Iran Nastaliq در نرم‌افزارهای خانواده‌ی Office استفاده‌شان وجود دارد. لذا به شما توصیه می‌کنیم اگر به زیبایی خط نستعلیق علاقه‌مندید از نرم‌افزارهایی که در ادامه معرفی می‌شوند استفاده کنید.

چلیبا: این نرم‌افزار تنها در محیط ویندوز قابل اجراست و یکی از معروف‌ترین، قدیمی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نرم‌افزارها برای خط

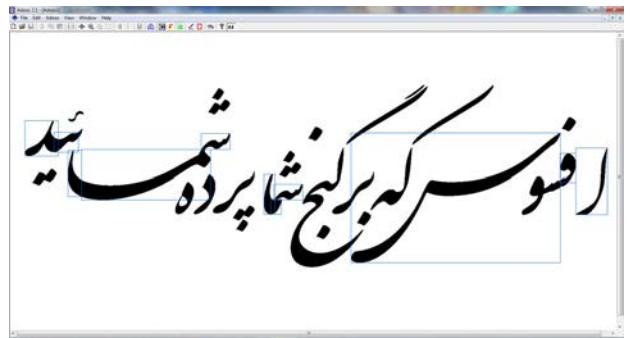
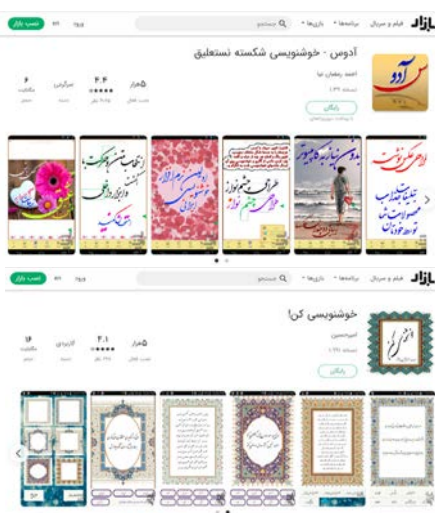


نستعلیق آنلاین: NastaliqOnline.ir یک سایت خوشنویسی فارسی است که برای علاقه‌مندان، فرصت نگارش متن به خطوط نستعلیق، خودکاری، اردو، کوفی، شکسته، عثمان طه، معلی، ثلث و نیریزی را فراهم می‌کند. شما می‌توانید پس‌زمینه و اندازه‌ی فونت را تنظیم کرده و نوشته‌ی خود را به فرمت‌های تصویری PNG و JPG ذخیره کنید.



ربات تلگرامی نستعلیق آنلاین: با ربات تلگرامی NastaliqBot می‌توانید به بخشی از قابلیت‌های سایت نستعلیق آنلاین دسترسی پیدا کنید. با ورود به صفحه ربات روی کلمه Start ضربه بزنید سپس نوع قلم (۲۶ شکل نگارش مختلف از جمله نستعلیق، تحریری، ثلث و ...)، زمینه (۲۲ زمینه مختلف)، رنگ (۲۱ رنگ مختلف) و اندازه فونت (سه اندازه مختلف) را تنظیم کرده و در نهایت عبارت را تایپ کنید. تصویر عبارت خوشنویسی شده برای تان ارسال می‌شود.

نرم افزار خوشنویسی برای اندروید: نرم افزارهای مختلفی برای خوش خطی و زیبانویسی در گوشی‌های اندرویدی وجود دارد. خوشنویسی کن! و آدوس (خوشنویسی شکسته نستعلیق اندرویدی) دو مورد از بهترین برنامه‌ها هستند که امکانات مختلفی مثل تغییر کشیدگی حروف، تغییر رنگ، زمینه و ... را در اختیار شما قرار می‌دهند.



میرعماد: این نرم‌افزار نیز مخصوص محیط ویندوز است و امکان تایپ در خطوط خوشنویسی: نستعلیق، شکسته، تحریری، ثلث، نسخ، معلی و ریحان و پیرآموز (نوعی کوفی) را در Note-، WordPad، Word، pad و تمامی نرم‌افزارهای Office در اختیار کاربر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر این نرم‌افزار، خود دارای محیط کاربری جدا نیست و به صورت Add-on در نرم‌افزارهای دیگر اضافه می‌شود.

کلک: کلک یکی از کامل‌ترین و محبوب‌ترین انواع نرم‌افزار خوشنویسی قابل نصب روی ویندوز است که علاوه بر فونت‌های مخصوص، امکان ایجاد ترکیب‌های مختلف و تغییر در کشیدگی‌ها را در خطوط نسخ، نستعلیق و ثلث فراهم می‌کند.



آدوس و نستگار: نرم افزار ویندوزی آدوس فونت شکسته نستعلیق را با تمام زیبایی به راحتی در اختیار کاربران قرار می‌دهد. نمونه دیگر این برنامه به نام نستگار برای نوشتن جملات کوتاه به خط نستعلیق کاربرد دارد.



تحریرگر: سایت خوشنویسی آنلاین Tahrirgar.com برای نوشتن متن‌های تبریک و لوح به فونت نستعلیق کشیده کاربرد دارد و امکاناتی مانند سایه‌دار کردن متن خوشنویسی، تنظیمات خط و کاغذ را در اختیار تان قرار می‌دهد.



کار شاهد یک حرکت هنری جدید در زمینه‌ی هوش مصنوعی بوده‌ایم. بسیار هیجان‌زده هستیم که آثار آیدا، که اولین ربات نقاش حرفه‌ای به‌شمار می‌رود، را به نمایش بگذاریم. آیدا به‌عنوان یک ربات، برای ایجاد آثارش از فرآیندها و الگوریتم‌های هوش مصنوعی کمک گرفته‌است و آثار او ما را تشویق می‌کند که در مورد هوش مصنوعی و موارد مصرف تکنولوژیکی آن و سوءاستفاده‌های احتمالی‌اش بیش‌تر فکر کنیم.

ربات نقاش ایرانی (تبدیل عکس به نقاشی)

محققان دانشگاه خواجه نصیر طوسی موفق به طراحی رباتی شده‌اند که در کوتاه‌ترین زمان ممکن عکس را به نقاشی تبدیل می‌کند. در این ربات نرم‌افزاری تعبیه شده‌است که می‌تواند در کوتاه‌ترین زمان ممکن، با توجه به کیفیت تصویر، عکس را به نقاشی تبدیل کند. کاغذ مورد نیاز این ربات کاغذ گلاسه است. عکسی که گرفته‌ایم، ابتدا به تصویر برداری تبدیل می‌گردد. زیرا تصاویر برداری برای رایانه خواناتر و قابل فهم‌تر هستند. سپس این نرم‌افزار براساس یک سری الگوریتم‌های از پیش تعیین شده، عکس را روی کاغذ طراحی می‌کند.

این ربات، سبک و کم‌هزینه است. محققان دانشگاه خواجه نصیر سعی کرده‌اند سرعت و سختی این ربات را افزایش دهند تا فرآیند نقاشی با دقت و سرعت بالاتری انجام بگیرد.



آیا دوره‌ی جدیدی در هنر آغاز شده است؟ تا چه اندازه تکنولوژی می‌تواند در هنر پیشرفت داشته باشد؟ آیا روزی خواهد رسید که دیگر قلم‌مو و رنگ، کاربردی نداشته باشد و ربات‌ها جایگزین هنرمندان شوند؟

پاسخ این سوالات را گذر زمان مشخص می‌کند ولی بی‌شک هیچ‌گاه ربات‌ها نمی‌توانند جایگزین هنر دست شوند. همان‌طور که نمی‌توان در باغچه‌ای وسیع به جای گل‌های طبیعی، گل‌های مصنوعی کاشت؛ زیرا هیچ‌گاه آن عطر و بو و شادابی گل طبیعی را نخواهد داشت. در ادامه به معرفی دو ربات نقاش در داخل و خارج از کشور می‌پردازیم.

ربات آیدا (اولین ربات انسان‌نمای نقاش در دنیا)

ربات انسان‌نمای نقاش با نام آیدا (Ai-Da) که اسم آن از نام آیدا لاولیس (Ada-Lovelace)، ریاضی‌دان زن پیشروی قرن نوزدهم، الهام گرفته شده‌است تا تقدیر و افتخاری بر فعالیت‌های این زن برنامه‌نویس رایانه باشد.

این ربات انسان‌نما می‌تواند تصاویر را با استفاده از هوش مصنوعی و با کمک بازوی رباتیکی و دوربینی در بدنه و یک میکروتراشه که در چشم این ربات کار گذاشته شده‌است، پردازش کرده و آثار هنری زیبایی خلق کند. استفاده از پوسته‌ی سیلیکونی در آیدا باعث شباهت بیش‌تر آن به انسان شده‌است؛ از ویژگی‌های جالب آن دهانی متحرک است که باعث می‌شود این ربات بتواند حرف بزند، پلک بزند، راه برود و همچنین یک قلم و یا یک مداد را در دست بگیرد و از انسان زنده پرت‌ه بکشد.

از میان هنرمندان، اوگوست رودین بیش از ۴ دهه روی تندیس دروازه‌ی جهنم کار کرد و همچنین لئونارد داوینچی، نقاشی معروف مونالیزا را طی ۱۵ سال کشید. ولی ربات آیدا فقط به ۲ ساعت زمان نیاز دارد تا پیچیده‌ترین نقاشی‌های معاصر را خلق کند. آیدا اولین ربات هنرمند و نقاش جهان است که موفق شده‌است تابلوهای نقاشی و انتزاعی امروزی‌ای را خلق کند که ارزش برپایی نمایشگاه دارند. قرار است نمایشگاهی از آثار هنری زیبایی که تاکنون خلق کرده در سال جاری، در دانشگاه آکسفورد برپا شود.

آیدا میلر مدیر نمایشگاه در این باره می‌گوید: ((به آینده‌ی آیدا در نقاشی امیدوار است ولی قرار نیست ربات‌ها جایگزین هنرمندان انسانی شوند. همان‌طور که عکس و عکاسی جایگزین نقاشان شدند. البته با این



^۱ The Gates of Hell



علی محمد پرورش
دانشجوی مهندسی عمران،
مقطع کارشناسی، ورودی ۹۵
دبیر کانون

گزارش فعالیت‌های کانون

همکاری در برگزاری جشن نوروزی کانون‌های فرهنگی،
اسفند ۹۷

در اسفندماه ۹۷ برنامه‌ی ((جشن نوروزی کانون‌های فرهنگی)) با همکاری تعدادی از کانون‌های فرهنگی برای اولین بار برگزار شد. کانون هنرهای تجسمی نیز در این برنامه مشارکت داشت و کاریکاتوری که از دکتر حسینی، معاون محترم فرهنگی، کشیده شده‌بود در این برنامه تقدیم ایشان گردید.



همکاری در برنامه‌ی ((شریف زیبای من)) با برگزاری غرفه‌ی صنایع دستی شریفی‌ها، نقاشی دیواری و برنامه‌ی سفالگری که با استقبال کم‌نظیری مواجه شد، اردیبهشت ۹۸



برگزاری نمایشگاه و جشنواره‌ی هنرهای تجسمی ((جام عقیق))، اسفند ۹۷

از جمله مهم‌ترین فعالیت‌های کانون، برگزاری نمایشگاه سالانه از آثار هنری شریفی‌ها بوده‌است که اهداف این نمایشگاه شناسایی و شناساندن هنرمندان شریفی و ایجاد علاقه‌مندی در دیگر دانشجویان برای پرداختن به هنر می‌باشد. در چهارمین دوره از جشنواره که در اسفند ۹۷ برگزار شد، بیش از ۲۰۰ اثر هنری از قریب بر ۵۰ هنرمند به نمایش گذاشته‌شد. در مراسم اختتامیه با حضور دکتر حسینی (معاون محترم فرهنگی)، خانم نعمتی (کارشناس فرهنگی وزارت علوم) و جناب بزرگمهر حسین‌پور (از مشهورترین نقاشان و کاریکاتورست‌های کشور) جوایزی به نفرات برتر در زمینه‌های نقاشی، خوشنویسی و صنایع دستی اهدا گردید.



برگزاری اولین دوره‌ی هنرمندان شریفی، آبان ۹۸

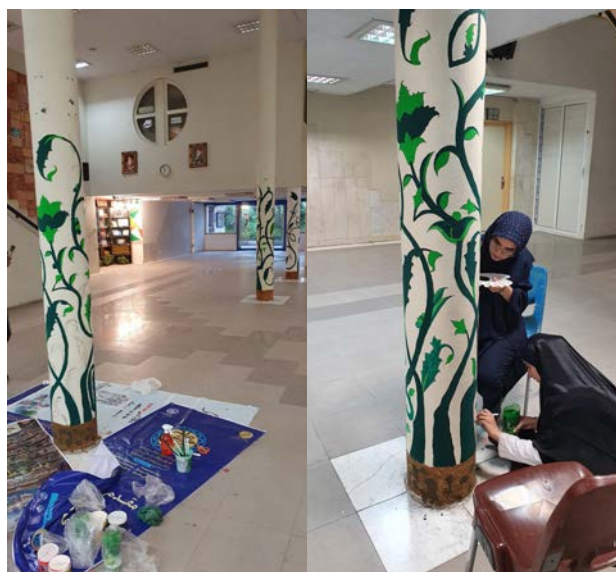
طی این برنامه، بیست نفر از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه که در یکی از زمینه‌های نقاشی، خوشنویسی، صنایع‌دستی و هنرهای دیجیتال تخصصی داشتند، گرد هم آمدند و به فعالیت هنری پرداختند.



بازدید از مجموعه‌ی فرهنگی-تاریخی سعدآباد (ویژه دانشجویان دختر شریفی)، آبان ماه ۹۸



رنگ‌آمیزی و نقاشی ستون‌های همکف ساختمان معاونت فرهنگی و همکاری در تزئین ساختمان برای مراسم



استقبال از ورودی‌های جدید، شهریور و مهر ۹۸

برگزاری غرفه‌ی معرفی فعالیت‌های کانون در همکف ساختمان ابن‌سینا همراه با نقاشی دیواری و فروش صنایع‌دستی شریفی‌ها، مهر ۹۸



برگزاری غرفه در جشنواره‌ی معرفی آحاد دانشجویی (نماد)، آبان ۹۸

در این غرفه که یکی از پربازدیدترین غرفه‌ها بود، برنامه‌هایی از قبیل اجرای زنده‌ی خوشنویسی، کارگاه سفالگری، اجرای زنده‌ی قالب‌گیری از چهره و دست، نقاشی دیواری و فروش صنایع‌دستی برگزار شد.



برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های هنری

در بهار، تابستان و پاییز ۹۸، کانون همچون ترم‌های گذشته در بیش از ۱۰ زمینه کلاس و کارگاه هنری برگزار کرد که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به نستعلیق، خط سفیر، خط کرشمه، خوشنویسی با خودکار، سیاه‌قلم، نقاشی با مداد رنگی و آبرنگ، تصویرسازی، نقاشی دیجیتال، نقاشی خط، ماندالا، سفالگری، نقاشی روی پارچه و معرق اشاره نمود. این دوره‌ها حتی در طول ترم تابستان ۹۸ نیز برگزار شد. در حال حاضر، هر ترم قریب ۱۰۰ هنرجو که اعم از دانشجویان، فارغ‌التحصیلان و کارمندان دانشگاه می‌باشند در این دوره‌ها شرکت می‌کنند.

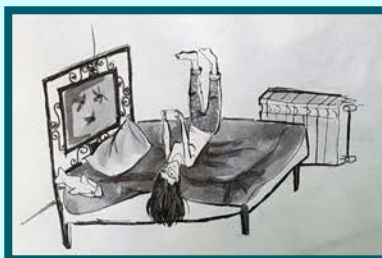


سمن قزوینی
دانشجوی مهندسی شیمی،
مقطع کارشناسی، ورودی ۹۴

طنز هنری

کرونا بیابان و قرنطیسیم ❁

دیدن ویدیوهای رندوم در یوتیوب



تلاش برای خلق یک اثر و شکست خوردن:



درست کردن مقدار زیادی سالاد



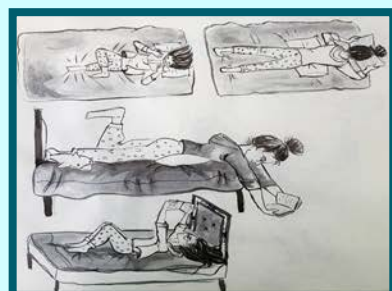
درست کردن غذاهای جدید



ورزش، ورزش، ورزش!!!



کتاب خوندن



از خون جوانان وطن لاله دمید وز ماتم سرو قدشان سر خمید



بیشتر چیزها را گذر زمان از یادمان می برد. حتی خود جنگ هم، مبارزات زندگی و مرگی که مردم از آن عبور کردند، اکنون تنها چیزی از گذشته های دور است. ما آن قدر گرفتار زندگی روزمره شده ایم که دیگر اتفاقات گذشته در ذهنمان نمی چرخند چرا که بسیاری چیزها هست که باید هر روزه به آن ها فکر کنیم؛ چیزهای جدید زیادی که باید یاد بگیریم. باین حال اما، هر قدر هم که بگذرد، هر اتفاقی هم که در این بین بیفتد، چیزهایی هست که هیچ وقت نمی توانیم آن ها را به فراموشی بسپاریم؛ نمی توانیم از آن ها فرار کنیم؛ آن ها به مانند سنگ محکی، برای همیشه، همراهمان خواهند بود. -ماندهاروکی موراکامی-

هنوز از کودکی خاطراتی به یادمان می آید، آن هایی که در تک تک شان خاطره ی شادی یا غم بسیاری ست که در آن زمان احساس می کرده ایم و حالا به هیچ صورت از یادمان نمی رود. بعدها در زندگی، هر تجربه ی مشابهی، با آن خاطرات مقایسه می شد و گاهی وقتها به سمت هایی می رفتیم که بیشتر یادمان بیاید، که فراموش نکنیم، بر ما چه گذشت. حتی گاهی وقتها خوب یا بد چیزها، می شد همانی که از خاطرات به یاد داشتیم. سقوط هواپیما، از جانگدازترین خاطرات امسال را نمی توانیم هیچ وقت از یاد ببریم. گاهنامه ی نقش خیال را تقدیم می کنیم به تمامی عزاداران این حادثه، به امید آن که مرهمی باشد بر سوز دلشان. در همین راستا در مسابقه نقش خیال از تمامی دانشجویان دانشگاه شریف دعوت می کنیم ابیات:

از خون جوانان وطن لاله دمیده
از ماتم سرو قدشان، سرو خمیده
در سایه گل بلبل از این غصه خزیده
گل نیز چو من در غمشان جامه دریده

را با خودکار برای ما نوشته و به دفتر کانون هنرهای تجسمی واقع در ضلع شرقی ساختمان معاونت فرهنگی تحویل دهند.

به زیباترین و دل نشین ترین دستخطها هدایایی به رسم یادبود اهدا خواهد شد